

طریقه کشف جعل در عصر حاضر

پیدایش خط و عوامل آن

چه عواملی اسلوب خط را تشکیل می دهد

جعل چیست و برای کشف آن چه باید کرد ؟

در شماره های قبل راجع به پیدایش خط و کاغذ و قلم و مرکب از نظر تاریخی و علمی و قضائی و نقضی که این عوامل در قسمت جعل ایفاء مینمایند بحث مفصل شد اینک به بحث خطوط و امضای اسنادی که اصالتشان ثابت و معتبر است و برای رسیدگی بصحت اسناد در مورد ادعای جعل و انکار و تردید اساس تطبیق قرار میدهند خواهیم پرداخت تا بر خوانندگان گرامی روشن و واضح گردد که چه نوع اسنادی باید بانوشتجات متنازع فیه تطبیق نمایند تا اصالت و عدم اصالت آن محرز گردد .

اساس تطبیق

یکی از اقداماتی که مؤثر در رسیدگی بصحت سند در مورد ادعای جعلیت و یا انکار و تردید بوده و مفید در کشف حقیقت میباشد این است که در صدد بدست آوردن خطوط و امضاتی برآیند که اصالتشان ثابت و معتبر بوده تا بتوان آنها را در مورد اساس تطبیق بکار برند .

نوشتجات مسلم الصدوری را که بامداد نوشته شده است نباید بانوشتجات معتبری که با مرکب نوشته شده مورد اساس تطبیق قرار داد زیرا اوصاف آثار قلمی بامدادی تفاوت فاحشی داشته و اختلافاتی نیز در خطوط ترسیمیه این دو عامل مشهود میگردد که از حیث رنگ - فشار - طرز گرفتن و اوصاف دیگر، قلم و مداد باهم اختلاف کلی داشته و از ارزش رسیدگی آنان بعلت این اختلافات خواهد کاست .

این اختلافات در خطوط بعضی از نویسندگان محسوس بوده و در بعضی دیگر غیر محسوس است و بوسیله ذره بین های دقیق و جلب نظر کارشناسان و با ملاحظات مستقیم دادرسان تفاوت آن کاملاً مشهود و معلوم میگردد .

مداد بیش از قلم بستگی با عمل انگشتان دارد زیرا در قلم غیر از حرکات انگشتان - سچ دست - بازو - آرنج - ساعد و کتف هم در ترسیم خطوط مؤثر بوده ولی ترسیم خطوط مدادی فقط با حرکات انگشتان انجام میگردد و بدین لحاظ باید فشار زیادی بمداد وارد آورد تا عمل تحریر انجام یافته و کلیه خطوط ترسیمیه پررنگ و خوانا باشد .

طریقه کشف جعل در عصر حاضر

مرکب به محض اصابت قلم روی کاغذ جاری شده و احتیاجی به فشار ندارد ولی درمداغ تا فشار روی کاغذ اعمال نشود نمیتوان خطوط پررنگ و خوانائی ترسیم نمود و از همین جهت است که در نوشتجات مدادی حالت تحدیدی در پشت کاغذ که در نتیجه ایجاد تفر در روی کاغذ است پدیدار شده و در خطوط ترسیمیه با قلم آثار تحدب و تفر غیر محسوس میباشد و نوشتجات مدادی از نوشتجاتی که با قلم نگارش یافته است سریع تر انجام میگردد .

در نوشتجات بی امضاء از نظر جهات دیگری از قبیل استعمال الفاظ و معانی - استعارات - مراعات نظیر - تناسب - مؤاخاة - کنایات - تعریض - مبالغه - تکریر - تشبیه - تحدید سخالی بودن از تکلف - التباس - ایجاز - اطناب - انسجام - تعقیدات لفظی و معنوی - حذف اضمار - فصل - وصل و همچنین با مطالعه سایر نکاتی که در شماره ۳۴ مجله کانون و کلاء از صفحه ۱۲ تا صفحه ۱۶ اشاره شده است میتوان حقایق را کشف نمود که آیات نوشتجات مدادی و مرکبی با وجود اختلافاتی که با هم دارند از یک نفر صادر گردیده و آن جهات را باید نیز در موقع رسیدگی و مطالعه و تدقیق در عبارات و جملات و کلمات مورد توجه قرار داد تا صحت و عدم صحت آن روشن گردد .

اختلافات جزئی از قبیل سرعت و تندی و فشار و رنگ نباید دلیل قاطع برای تشخیص هویت اشخاص محسوب گردد برعکس کارشناسان و دادرسان و بازپرسها باید جهات اشاره شده در فوق را برای کشف هویت اشخاص در نظر بگیرند .

تغییراتی که در حالات جسمی و روحی بک نویسنده عارض میشود در نوشتجات مسلم الصدور او که مورد اساس تطبیق واقع میشود تأثیر بسزائی داشته و برای احتراز از اشتباه باید تاریخ اسناد اساس تطبیق و یا اوراق مسلم الصدور با تاریخ نوشته مورد رسیدگی مطابق یا مقارن باشد یعنی هر دو قسمت در یک زمان که نزدیک بهم است نوشته شده باشد زیرا کسالت - سن - سلامتی یا اوضاع و احوال دیگر از قبیل خواب و مسمومیت های داخلی و خارجی در نوشته مورد رسیدگی و اوراق مسلم الصدور تأثیر داشته و باید کلیه اوراقی که با نوشتجات مورد رسیدگی تطبیق میگردد مساوی بوده و با هم برابری نمایند .

چه بسا اتفاق می افتد که جعلی نوشتجات را جعل نموده و بعد از مدتی که مورد تعقیب واقع میگردد یا به آن نوشتجات دعوی جعل میشود و از نویسنده آن که پیرو ناخوش است است کتاب میگردد نوشته مورد دعوی جعل با خطوط استکناییه او اختلاف داشته و نمیتوان نوشتجات را که در حال کسالت یا ناخوشی یا عصبانیت نوشته شده است با نوشتجاتی که در حال سلامتی و آراش روح تنظیم گردیده است قابل تطبیق و مقایسه دانست .

اگر نوشته مورد تردید یا جعل یا انکار بوسیله نویسنده سنی تنظیم گردد لازم است تاریخ نوشته اساس تطبیق آنهم مقارن نوشته مورد ظن بوده تا بتوان حقایق را در موقع تطبیق و مقایسه کشف نمود .

ناخوشی های سخت ممکن است طوری تأثیر در اعصاب و عضلات و افکار نویسنده بنماید که کلیه خطوط و امضات او را برای اساس تطبیق غیر مناسب و ناجور نماید .

طریقه کشف جعل در عصر حاضر

درموقع استکتاب لاقبل باید پنج مرتبه اسناد مورد رسیدگی دعوی جعل و غیره نوشته شود و سپس مورد تطبیق واقع گردد تا اگر نویسنده شیوه خود را در اثر تمرین تغییر داده یا باحالت تصنعی نوشته را تنظیم نموده باشد معلوم گردد و این آزمایش باید با قلمها و کاغذهای مختلفه صورت گیرد .

دقت و مدت تنظیم نیز درموقع استکتاب باید رعایت گردد و از روی ساعت استکتاب شود و هرمدتی را که نویسنده برای تحریر مصرف میکند نصف آن مدت در استکتاب بعدی مصرف شود تا اگر تصنعی در کار باشد کاملاً مرتفع شده و شیوه خاص نویسنده معلوم و مشهود گردد .

اگر قاضی و کارشناس مشاهده نماید که نویسنده وقتی را که برای خطوط مورد استکتاب مصرف مینماید ساختگی و تصنعی بوده لازم است برای استکتاب بعدی وقت کمتری داده شود تا اگر حیل و تزویری بکار برده شده است کاملاً مکشوف گردد نویسنده نباید درموقع استکتاب عجز و مضطرب باشد و با فراغت بال عمل مزبور باید انجام گردد و نیز درموقع عصبانیت و خشم از او نباید استکتاب شود بلکه برعکس آرام و ساکت باشد تا خط و امضاء از محور طبیعی خارج نگردد .

درموقع استکتاب بانویسنده باید پانهایت نزاکت و ادب رفتار نمود و بازپرسها و دادرسان نباید با او طوری رفتار نمایند که هیجانات روحی در نگارنده ایجاد شده و از سیر طبیعی خارج گردد .

اگر نویسنده نوشته را بزرگ و فاصله دار بنویسد لازم است که قضات و بازپرسها کاغذ کمی باو داده و از او بخواهند که سند مورد ظن را با حروف کوچکتر و فواصل کمتر در آن کاغذ بگنجانند و استکاف از این امر قرینه برای سوء نیت او میباشد .

خطوط و امضات کارت ویزیت را نباید در عداد خطوط مسلم الصدور دانست و آنرا برای اساس تطبیق بکار برد زیرا این قبیل نوشتجات غالباً در حالت ایستاده تنظیم گردیده و با قلمهای خارجی در جای غیر مأنوس نوشته شده و بانوشتجاتی که فاقد این کیفیت هستند اختلافات بینی خواهد داشت .

چون عوارضی که درجسم و دماغ انسان در نتیجه ازدیاد سن پیدا میشود موجب تغییر خط و امضاء خواهد شد برای احتراز از هر گونه اشتباه باید بانکها هر سه سال یکمرتبه چند نمونه از امضاء کلیه افرادی که دارای حساب جاری و ثابت هستند گرفته تا در موقع مراجعه افراد و یا صدور اوراق بپناه دار مخصوصاً چک بتوانند به آن نمونهها مراجعه کرد و آنها را ملاک عملیات خود قرار دهند .

وضعیت مزاجی و حالت نویسنده و امضاءکننده درموقع امضاء و نگارش باید در نظر گرفته شود .

یداری - خواب - سرما - گرما - خشم - غضب و اعتیاد به شرب توتون و الکل - تریاک - حشیش و سایر ادویه مخدره تأثیر بسزائی در تغییر خط و امضاء دارد زیرا این

طریقه کشف جمل در عصر حاضر

عوامل نیروی حیات را تند و کند نموده و قوت و ضعف جسمی و فکری نویسنده تأثیر زیادی در خطوط ترسیمیه او خواهد داشت .

خواب

خواب و فشار آن در انسان عامل بزرگی برای تغییر خط میباشد و نوساناتی در خط انسان ایجاد مینماید که در بادی نظر کاملاً محسوس و مشهود است .

خط افرادی را که خواسته اند در نتیجه سلب خواب از آنان اقرار بگیرند با خط دیگران اختلاف دارد زیرا از خطوط ترسیمیه آن ظاهر و هویدا است که نگارشات مزبور منبعت از فشار بوده و شخص خواب آلود تحت تأثیر بی خوابی به تنظیم نوشته غیر طبیعی مبادرت نموده است و این قبیل خطوط را نباید بعنوان مسلم الصدور اساس تطبیق قرارداد .

تعلیق موقت حالت شعوری و نمایشات حیات حیوانی یا نباتی خواب گویند پس حالت مزبور عبارت از قطع کم و زیاد ارتباط شخصی با حقیقت واقعی است که در محیط او بوده که بصورت سکون و آرامش متناوب جلوه گرفته است .

خواب برکناری انسان از محیط خارجی است و شخصی که میل بخواب دارد بهیچ چیز حتی بعیات خود علاقه ندارد و یک نوع انتحار روانی محسوب میشود .

خستگی فکری - عدم دقت - خستگی جسم و سرگیجه و اهمال و بی اعتنائی بمحیط خارج از مراحل ابتدائی خواب که چرت زدن است میباشد .

نیازمندی افراد به خوابیدن یا میل آنان تطبیق نمیکند هر وقت که میل به خواب داشته باشیم نمی خوابیم و هر وقت بخوابیم نخوابیم خواب می آید پس دو غریزه مختلف در شعور ما منازعه میکنند یکی احتیاج به خواب و دیگری جلوگیری از آن وقتی این احتیاج کم کم شدت پیدا نمود توهمهای سمعی و بصری به انسان دست داده و دچار صداع و عصبانیت و سرگیجه میشود .

عقاید مختلفیه راجع پایجاد خواب وجود دارد که ذیلاً شرح میدهم :

بعضی از علماء خواب و بیداری را دو حالت متضاد ندانسته و آنرا جذر و مدمی میدانند که در اقیانوس زندگی بروز میکند .

علماء شیمی میگویند که وجود آیدرید کربنیک (Anhydride Carbonique) در خون خستگی زیادی در انسان تولید کرده و خواب بانسان دست میدهد .

در خواب کلسیم (Calcium) بدن کم میگردد و پوتاسیوم (Potassium) او افزوده میشود .

علمای فیزیکی میگویند که خواب عبارت از فقدان تحرکات خارجی بوده و بواسطه بستن گوش و چشم که حنق کابل تحرکات است در انسان ایجاد میشود .

ولی فرض مکانیکی خواب این است که در اثر جمع شدن دنباله های سلولهای عصبی و قطع آن از یکدیگر جریان نیرو متوقف شده و خواب ظاهر میشود .

طریقه کشف جمل در عصر حاضر

دسته دیگر میگویند که در نتیجه ممانعت سلولهای قشر خارجی مغز از صرف نیرو جلوگیری شده و اعمال مربوطه بخود و مراکز دیگر را متوقف میسازد و این عمل را بازداری یا انهیسیون (Inhibition) میگویند .

علمای دیگر میگویند که کلیه حالاتی که در خواب ایجاد میشود با غریزه مطابقت داشته واصل رعایت نفع که سرآمد تمام غرایز است در خواب نیز وجود دارد مثلاً مادری که بانتظار پسرش بخواب رفته بمحض در زدن فرزند خود بیدار شده در صورتیکه در مورد صدای در زدن همسایگان این عمل صادق نیست و بیداری باو دست نمیدهد .

دانشمندان دیگر میگویند که در اثر ترشحات یک قسمت از غدد مترشحه داخله که آنرا گلاند آندوکرین (Glandes endocrines) میگویند حالت خواب دست میدهد .

با در نظر گرفتن کلیه این فروض ثابت میگردد که در خواب زمام فکر برخلاف بیداری از بین میرود و فکر حکومت باعمال انسان ندارد لذا تحریرات و نگارشات افراد که در اثر ممانعت خواب انجام داده میشود فاقد آثار اعمال ارادی انسان بوده و قابل ترتیب اثر نمیباشد .

حرارت

قسمت اعظم اختلالات بدن در نتیجه اشتداد گرما و حرارت ایجاد میشود و این حالت تأثیر عظیمی در خط و امضاء دارد .

در اثر حرارت و گرما برآمد گیلهائی باندازه سر سنجاق در نتیجه تعریق ایجاد میشود که آنرا سودامینا (Sudamina) میگویند .

بعلاوه گرما موجب تولید عرق زیادی در بدن میشود که هیپرید روز (Hyperidrose) نامیده میشود همچنین دانه های سفت باندازه شاهدانه که دردناک میباشد و خارش هم دارد در بدن ظاهر میشود که موجب اختلال ترشح عرق میباشد و آنرا دیزیدروز (Disidrose) میگویند و نیز عرق زیادی زیر چینهای بدن که متعاقب با بوهای بدو عفن میباشد مخصوصاً در زیر بغل - پستان - زیر شکم و کشاله ران پدیدار میشود که آنرا انترتیگو (Intertigo) مینامند .

حرارت نیز ایجاد عطش در انسان نموده و آشامیدن آب زیاد برای تسکین عطش موجب اختلال هضم میگردد که اسهال و یبوست نیز همراه دارد .

این بیماریها بیشتر در آهنگران - شوفورها - شیشه گرها - نانواها و افرادی که در کارخانجات ذوب فلزات کار میکنند بروز میکند و نیز مرض شمس که در انگلیسی سان استروک (Sunstroke) و در فرانسه انسولاسیون (Insolation) میگویند در نتیجه حرارتهای زیاد دست داده و منتهی به کوما (Coma) اغماء و سنکوپ (Syncope) غش و مرگ میگردد .

طریقه کشف جعل در عصر حاضر

سرما

سرما نیز آثار زیادی روی پوست و جهاز تنفس و اعصاب دارد که غالباً تشخیصاتی بانسان دست میدهد و این حالات اثرات متعددی در خطوط و امضات افراد میگذارد .
عوارض سرما عبارت از ورم کلیه که در اصطلاح طبی نفریت (Néphrite) و وجود آلبومین در بول که آنرا آلبومینوری (Albuminurie) و یا ورود مواد رنگی خون در بول که آنرا هموگلوبینوری (Hémoglobinurie) میگویند میباشد بعلاوه روماتیسم (Rhumatisme) و کزاز (Tétanose) در افراد ایجاد نموده و نیز موجب قطع تنفس و جریان خون در بدن میشود .
دماغ اغلب افراد نقاط سردسیری که سرما در آنجا شدت دارد کار نمیکند و مبتلا بمرض کم خونی دماغی (Anémie Cérébrale) میگردند .

سمومات

سمومات ایجاد تشنج و رعشه در اعصاب نموده که در خطوط مبتلایان کاملاً منعکس میگردد .

مسمومیتهای الکلی - تریاک - حشیش - توتون - مرفین - چای - قهوه - سرب - ارسنیک - کوکائین - سولفور و پتاس و اکسید دوکربن ایجاد اختلالاتی در بدن نموده و لرزشهای خفیف یا شدید بانوساناتی پدیدار میشود که منتهی بتوهما تسمعی و بصری میگردد .

عمل لقاح - غریزه جنسی

عمل لقاح دفع مسمومیت است افراط و تفریط در این غریزه جنسی تأثیری درخط دارد زیرا سلولهای بدن در مرد و زن در حال فعالیت و حرکت بوده و مسمومیتی در آنها ایجاد شده است که از نظر بهداشت روحی و جسمی دفع آن لازم است ولی حد اعتدال و میانه روی را با در نظر گرفتن قوای جسمی باید رعایت نمود زیرا قوایی هم که در دفع مسمومیت بکار میروند زیاد بوده و قوه آن زیادتر از نیروئی است که برای براه انداختن یک لکوموتیو ضرورت دارد و افراط در این امر نیز موجب خستگی و فرسودگی و اختلالات عصبی میشود که در خط کاملاً ظاهر و هویدا خواهد بود .

افراط و تفریط در این امر موجب تضعیف و از بین رفتن شخصیت خواهد بود .
در روی زمین بشر به دو دسته و طبقه تقسیم شده است .
دسته اول شخصیت آنان بستگی با قسمت علیای بدن آنان دارد و شب و روز دماغ و مغز آنان در کار بوده اعمال منتسبه بقسمت سفلی بدنشان از قبیل خوردن و اعمال آسیرشی فقط برای رفع حوائج بوده و از حد اعتدال خارج نمیگردد .
دسته دوم افرادی هستند که عملیات قسمت علیای بدن آنان در حال وقفه و رکود بوده و فقط شب و روز اوقاتشان برای رفع نیازمندیهای قسمت سفلی بدن مصرف میگردد .
شاعر ایرانی در یک شعر این معانی را کاملاً مجسم نموده و میگوید:

نیمه ای از ملک هست و نصیبی از دیو ترک دیوی کن و بگذر به فضیلت ز ملک

طریقه کشف جعل در عصر حاضر

زناشوئی با خویشاوندان

زناشوئی با خویشاوندان نزدیک آثار خوبی نداشته زیرا اولاد آنان در تمام عمر در معرض امراض و بیماریهای جسمی و روحی بوده که منتهی به ضعف اعصاب و دماغ گردیده و آثارش در هر زمان در خطوط ترسیمیه ظاهر و هویداست و همیشه تحریرات آنان مواجه با تغییر و تبدیل میباشد .

ازدواج افراد یک خانواده با هم نتایج سوئی داشته و همیشه بیماریها و خصمال مشترکی در خانواده وجود دارد و جز افراد نارس و کالک چیز دیگری عاید اجتماع نخواهد شد و این نوع ازدواج بیشتر در کلیمها وجود داشته و اغلب موصلت آنان بین پسر عموها و دختر عموها صورت میگیرد .

تیجه فیلسوف آلمانی بمفلسد این قبیل زناشوئیهها و نتایج حاصله از آن که تضعیف نژاد است پی برده و عین کلمات او در این خصوص که بچندین زبان ترجمه شده است ذیلاً نگاشته میشود .

آلمانی

Dies sei der Sinn und die Wahrheit deiner Ehe. Aber das, was die Viel-zu-Vielen Ehe nennen, diese Überflüssigen-ach, wie nenne ich das?

Ach, diese Armut der Seele zu Zweien! Ach, dieser Schmutz der Seele zu Zweien! Ach, dies erbärmliche Behagen zu Zweien!

Ehe nennen sie dies alles; und sie sagen, ihre Ehen seien im Himmel geschlossen.

Nun, ich mag ihn nicht, diesen Himmel der Überflüssigen! Nein, ich mag sie nicht, diese im himmlischen Netz verschlungenen Tiere!

Ferne bleibe mir auch der Gott, der herantritt zu segnen, was er nicht zusammenfügte!

انگلیسی

Let this be the meaning and truth of thy marriage. But that which the much - too-many call marriage, the superfluous ones-alas, what call I that?

Alas! this double poverty of souls! Alas! this double uncleanness of souls!

Alas! this double despicable case!

Marriage they call it; and they say their marriage is made in heaven.

As, for me, I love it not, this heaven of the superfluous!
Nay, I love them not, these beasts entrapped in heavenly snares!

Far from me also be the God that cometh halting to
bless that He joined not together!

Laugh not at such marriages! what child hath not cause
to weep over its parents?

Worthy meseemed such an one, and ripe for the mean-
ing of earth, but when I beheld his wife earth seemed to me
a madhouse.

فرانسه

Que tel soit le sens et la vérité de ton mariage. Mais
ce que les inutiles appellent mariage, - la foule des superflus!
- comment appellerais - je cela?

Hélas! cette pauvreté de l'âme à deux! Hélas! cette
impureté de l'âme à deux! Hélas! cette pitoyable suffisance à
deux.

Mariage, c'est ainsi qu'ils appellent tout cela; et ils
disent que leurs unions ont été scellées au ciel.

Eh bien! je n'en veux pas de ce ciel des superflus! Non,
je n'en veux pas de ces bêtes empêtrées dans le filet céleste!

Loin de moi aussi le Dieu qui vient en boitant pour
bénir ce qu'il n'a pas uni!

Ne riez pas de tels mariages! Quel enfant n'aurait pas
lieu de pleurer sur ses parents?

Cet homme me semblait respectable et mûr pour saisir
le sens de la terre: mais lorsque je vis sa femme, la terre me
semble une demeure pour les insensés.

عربي

ليكن هذا معنى زواجك وحقيقته ، اما ما يدعوه الدخلاء الاغبياء زواجا فامر احرار
في تعريفه ، فما هو الاسكنة روحية يتقاسمها اثنان ، ودنس يترغ به اثنان ، ولذة بائسة تتحكم
في اثنين . ولكن الدخلاء يرون في مثل هذا الزواج رباط عقده السماء .

وما انا بالمرتضى بمثل هذا السماء ، سماء الدخلاء اطبقت شباكها عليهم ، تبالها ،
وسحق المثل هذا الاله الذي يتقدم متراجعا ليبارك اثنين لم يجمع هويينهما .

لا يضحكنكم هذا الزواج ، فكم من طفل من حقه ان ييكي على ابويه ؛
رايت رجلا وقورا فحسبته بالغامن النضوج ما يدرك به معنى الارض ،

فارسی

این معنی و حقیقت زناشوئی تست آنچه را که در عرف عامه یعنی در عرف این فرومایگان ازدواج مینامند.

وای از این فقر روحی دو نفر! - وای از این نکبت روحی دو نفر! - وای از این عیش قابل ترحم دو نفر! -

همه اینها در عرف آنان ازدواج نامیده میشود و آنها معتقدند که عقدشان در آسمان بسته شده.

چقدر پست است در نظر من آسمان این موجودات زیادی نه من از این حیوانات بدام آسمان افتاده بیزارم.

دورباد از من آن رب انوعی که لنگ لنگان برای بستن عقد آنچه را که بهم مربوط ساخته اند حاضر میشود.

بر این قبیل زناشوئی ها نخندید کدام اولاد حق نداشته است بر پدر و مادر خود بگوید:

این مرد بنظر من لایق آمد و برای منظور زمین کامل در رسیده بود اما وقتی که من بزن او برخوردم پنداشتم که زمین دارالمجازین است.

تجزیه و تفکیک افکار درونی و استفاده از بیهوشی اشخاص

در نتیجه عمل تخدیر

یکی از اعمالی که در جنگ دوم بین المللی شایع و رائج بود و برای کشف حقیقت و بی بردن به اسرار و مکنونات اشخاص بکار برده میشد عمل نارکوآنالیز (Narco-analyse) و با استفاده از بیهوشی افراد در نتیجه عمل تخدیر است که مورد انتقاد شدید علماء و حقوقدانهای جهان واقع گردیده و در کنگره ها مورد بحث واقع شده و با اعمال آن سخت مبارزه مینمایند.

عمل نارکوآنالیز عبارت از این است که در افراد بوسیله تزریق ادویه خواب آور و تخدیر کننده از قبیل پنتوتال (Pentotal) و آمیتال (Amital) و اوپیان سودیک (Evipan sodique) و نسدونال (Nesdonal) درورید حالتی ایجاد میکنند که بین خواب و بیداری بوده و افراد در حالتی قرار میگیرند که دیگر قادر بکنترل خود نبوده و در ظرف نیم ساعت که قدرت افسار کننده و ترمز کننده از دست آنان خارج شده است به تجزیه و تفکیک افکار درونی پرداخته و شخصیت حقیقی او بدون وجود اسرار و مکنوناتی در دماغ او ظاهر میگردد.

امروزه باینگونه اقاریب و اسنادیکه در نتیجه این عمل بدست آمده است ترتیب اثر داده نشده و به اوراتی هم که در نتیجه استعمال ادویه خواب آور دیگر از قبیل لومینال (Luminal) کلورال (Chloral) و هیپنال (Hypnal) و سولفونال (Sulfonal) و تریونال (Trional) و ورونال (Véronal) تنظیم گردیده نمیتوان ترتیب اثر داد.

تأثیر امراض در تغییر خط

خط در دوره بعضی از امراض مخصوصاً امراض عصبی تغییر میکند .
تغییرات کلی در خط غالباً در فلجهای عمومی ظاهر میشود .

در آغاز کسالت که هنوز کوچکترین علائمی در جسم ظاهر نشده است آثاری در خط پیدا میشود و خط این قبیل اشخاص بمنزله اعلام خطر برای ظهور این امراض میباشد .
این افراد در تنظیم نوشتجات خود اغلب کلمات را فراموش مینمایند که به رشته تحریر درآوردند یا اینکه کلمات و سیلابها را تکرار کرده یا با داشتن سواد و معلومات کافی غلطهای املائی در نوشتجات آنان پیدا میشود در ابعاد حروف زیاد روی کرده و عدم تساوی در حروف و کلمات ترسیمیه آنان ظاهر میشود الحاق و تراشیدگی زیاد دارد و اغلب نسبت بموضوعاتی که پوچ و بی اساس میباشد اهمیت داده و زیر آن خط میکشند و یا با حروف درشت مینویسند که افکار دیگران را بآن متوجه نمایند در دوره تحریک عدم تساوی ابعاد زیادتر شده و ارتعاش و اختلاج و تشنجات تقویت یافته و زیادتر میگردد و نوشتجات آنها گوشه دار و غیر خوانا میشود و آثار کوچکی در نتیجه پرسیانی حواس و فکر که منتهی به بی ترتیبی خط میشود ظاهر میگردد .

این علائم بتدریج پیدا میشود و یکدفعه برای افراد روی نمیدهد و اگر نوشتجات آنانرا همراه باهم مقایسه کنند این علائم و آثار رو بافزایش گذاشته تا اینکه منتهی به فلج عمومی میگردد .

نوشتجات دیوانگان که انواع جنون آنها هر چه باشد یک وصف خاصی دارد که در بادی امر و اولین نظر میتوان گفت این نوشته و خطوط متعلق بدیوانه است و علائم قطعی آن عبارت است از :

- ۱ - بدون جهت خط زیر جملات کشیدن .
- ۲ - افراط و زیاد روی در نوشتن حروف بزرگ .
- ۳ - تزیین خط .
- ۴ - تکرار کلمات .

وقتی جنون بمرحله شدت خود رسید تحریرات و تقریرات این قبیل افراد بی معنی و غیر مفهوم میگردد .

در مرض تابس دورسالیس (Tabes dorsalis) و یا آتاکسی (Ataxie) اختلالاتی در بدن پیدا میشود که نمیتوانند افکار خود را باحرکات دست خود تطبیق نمایند .

در مرض آفازی (Aphasia) مبتلایان باین مرض هر چه فکر میکنند اگر بخواهند روی کاغذ بیاورند خلاف فکراتان روی کاغذ ترسیم میشود و گاهی هم درصدد پیدا کردن کلمات و لغات میباشند .

مشاهده خطوط درشت و نقطه های زیاد در روی کاغذ علامت گرفتگی قلب و تنگ نفس بوده و اغلب قلم این بیمارها روی کاغذ تکیه میکند تا این عارضه برطرف گردد .

طریقه کشف جعل در عصر حاضر

مرض آگرافی (Agraphie) که اسکان و عدم اسکان نوشتن از لحاظ حرکت دست و انگشتان میباشد فقدان تطبیق حرکات با فکر خود جهت تنظیم نوشته ایجاد میشود که نویسنده فکر خود را نمیتواند بصورت نوشته در بیاورد و بواسطه فقدان حس تطبیق مراکز دماغی فکر و حافظه کلمات و خطوط ترسیمیه با افکارش اختلاف دارد .

کرامپ (Crampe) که انقباض غیر ارادی و تشنجات دردناک بعضی عضلات مخصوصاً ماهیچه دست و پا میباشد که مدت آن کوتاه بوده و پس از فواصل زیادی بروز پیدا میکند این عارضه در نتیجه زیاد نوشتن و خستگی دست پیدامیشود و بعد از استراحت کمی برطرف میگردد .

بعلاوه این حالت در اثر جای نازاحت و وضعیت دست و فشار عصب یا شریان و یا وجود آسیدلاکتیک پیدا میشود مرض کرامپ که کوفتگی یا خواب و یا انقباض غیر ارادی موقتی عضلات میباشد و بمرض نویسندگان موسوم است در نتیجه بعضی از بیماریها از قبیل حصبه - و با - اسهال خونی - گریپ - مرض قند و تصلب شرائین آرترئوسکلروز (Artériosclérose) و یاسموسیتهای غذایی و دوره حاملگی پیدا میشود و بامالش دست فوراً رفع میگردد .

اغلب از انگشتان نویسندگان دچار این عارضه بوده و علل آن انجام کار در وضعیت و شرایط نامساعد و کوفتگی و خستگی فکری و زیادی کار که به سورمناز (Surmenage) موسوم است میباشد .

تحریرات دیوانگان و خطوط کودکانها و بلهائ که دچار فقر روحی هستند با خطوط افراد سالم فرق میکند و خطوط آنان غیر عادی بنظر میرسد و اغلب دچار سلس القلم هستند یعنی زیاد چیز مینویسند و صفحات را پرمیکنند بدون اینکه کوچکترین مطلبی در نوشتجات آنان وجود داشته باشد و این مرض را گرافوره (Graphorrhée) و یا گرافومانی (Graphomanie) میگویند .

بعضی افراد در موقع نوشتن چندین مرتبه مانند یویو yo-yo قلم را پایین و بالا برده و در حالت شک و تردید میباشد که چیزی بنویسند و این عمل را گرافوبی (Graphobie) یا ترس چیز نویسی میگویند .

بعضی دیگر حروف و کلمات را عوضی نوشته و این عمل در نتیجه اختلال فکری پیدا میشود و در اصطلاح طبی پارافازی (Praphasie) گفته میشود .

تشنجات و ارتعاشات

تشنج و رعشه نوسانات غیر ارادی و متحدالشکل و موزون است که به سر و دست و پا و بدن متوجه شده و در موقع راحتی و سکون و حرکت و یاد در هر دو حالت صورت میگردد .

این نوسانات بین ۴ تا ۵ و بین ۸ تا ۹ در هر دقیقه باهم اختلاف دارند .

تشنج و رعشه موقتی یا مستمر بوده و در تحت تأثیر پدیدههای فیزیولوژی و هیجانات و سرما و پیری و وراثت و یادر طی دوره امراض مختلف صورت میگردد .

طریقه کشف جهل در عصر حاضر

امراض عصبی - در فلج‌های حرکتی تشنجات یکسان بوده و در دو طرف ایجاد میشود و بیشتر متوجه اعضاء عالیه میباشد این رعشه‌ها درموقع سکون زیاد شده و پس از چند لحظه متوقف میشود .

در تصلب نسوج که به اسکلوروز آن پلاک (Sclérose en plaque) موسوم است لرزش و تشنجات ارادی بوده و نوسانات آن زیاد میباشد و خطوط این قبیل اشخاص بصورت خط منکسر درمی‌آید .

در ناخوشی فریدرایش (Friedreich) اختلاجات و تشنجات ارادی بوده زیرا این مرض موروثی است و تأثیر زیادی درخط دارد و درآغاز جوانی و طفولیت پدیدار میشود و مریض دچار تصلب نخاعی ورشته‌های عصبی بوده و اغلب تلوتلو می‌خورد .

مرض کره (Chorée) که مرض رقص نیز نامیده میشود متعاقب اشارات بیموقع و حرکات ارتعاشی اعضاء وسر و صورت بوده وغالباً درموقع سکون پیدا شده ولی درموقع خواب قطع میگردد .

در مرض ورم غده درقی که باپلوئیدگی چشم همراه است و آن را گواتراکزوفتالمیک (Goitre exoptalmique) می‌نامند نوسانات این بیماری سریع و تند بوده و در حال حرکت زیادتر میگردد .

در اشخاص مبتلا به اختلال سلسله اعصاب یا نوروز (Névrose) و یا کسانیکه مبتلا به اختناق رحم یا هیستری (Hystérie) هستند تشنجات در اثر تلقینات ایجاد شده و در نتیجه تلقینات خلاف آن از بین میرود و این اختلالات در مواقع مختلفه در افراد پیدا میشود و تأثیری در آثار قلمی آنان خواهد داشت .

در بیماری صرع (Epilepsie) و فلج نیمه بدن که به همیپلژی (Hémiplégie) موسوم است تشنجات زیاد بوده و اغلب خطوط این بیماران دارای ابعاد نامنظم و غیر مساوی بوده و پیچ در پیچ میباشد .

در بیماری داء الرقص که به پارکینسن (Parkinson) و یا فلج متحرك موسوم است معمولاً در سنین پیری عارض میشود و به محض اینکه فکر حرکت در بیمار ایجاد میگردد لرزش و ارتعاش پدیدار شده و در تمام بدن سرایت میکند و افرادی که مبتلا به این مرض هستند از حرارت و گرما ترس داشته وغالباً بایک پتو بایک لحاف در اشتداد سرما میگذرانند .

در اشخاص منقط و ناقص دژنره (Dégénéré) و یا افرادی که دچار اختلالات عصبی نوروبات (Névropathe) هستند رعشه و تشنج زودتر از موقع پدیدار شده و در خطوط آنان آثارش هویدا است .

جهات مخدافه که موجب تغییر خط میشود

علاوه بر نکات مذکوره در فوق جهات مختلفه دیگر موجب تغییر خط و اعضاء

طریقه کشف جمل در عصر حاضر

نیز میگردد که در موقع اساس تطبیق باید نسبت بوجود این عوامل تحقیقات لازمه نموده و بعد بمقایسه و تطبیق خطوط پرداخته و اظهار نظر نمود .

جهات مختلفه بشرح زیر میباشد .

جنگ - صلح - بمب اتمی - بمب هیدروژنی - سیل - طوفان - عشق - استمنا -
فصول چهار گانه - نژاد - تمدن - حبس - تبعید - ثروت غیر منتظره - مقام غیر منتظره -
تبعیض - سوء سازمان - ازدواج با خویشاوندان - زمین لرزه - حریق - ورشکستگی -
الکل - قمار - تزلزل و نگرانی در زندگی - نوع حکومت - عدم اجرای قوانین - سوء تغذیه -
قاعدگی - یائسگی - آبستنی - شیر دادن - خستگی زیاد - محرومیت از تفریحات دماغی
هینوتیزم - مانیتسیم - فقدان ویتامین ها - امراض عفونی از قبیل سفلیس - مالاریا - جذام -
محرقة - طاعون - وبا - تب زرد - گریپ - سرخک - آبله - مخملمک - ذات الریه - باد
سرخ - حصیه - دیفتری - هاری .

تشخیص وضعیت روحی و جسمی اشخاص از روی خط

اختلافات فردی نویسندگان از حیث جسم و روح و رابطه خطوط آنان با اخلاق نویسنده مدت زمانی است که نظر موشکافان و مطالعه کنندگان را جلب نموده است از قرن نوزدهم خط شناسی در عداد اصول عقاید و نظریات علمی وارد شده است .

قبل از پیدایش این علم ارسطو و دمتریوس (Démétrius) خط را معرف اوصاف نویسنده دانسته و میگفتند که تحریرات و تقریرات نماینده روح بشر میباشد و به وسیله خط میتوان به اخلاق و روحیات هرنویسنده ای پی برده و از آن اطلاع بدست آورد .

لیبنیتز (Leibniz) که قسمت اعظم عمر خود را در مطالعات خطوط صرف نموده بود میگفت که خط از مزاج و حالت طبیعی اشخاص حکایت نموده و معرف روحیات و مترجم احساسات نویسندگان میباشد .

معرفت به وضعیت کامل جسمی و روحی اشخاص از روی خط قبل از ۱۸۶۸ وجود خارجی نداشت و میشون (Abée de Michon) کشیش معروف این علم را اختراع کرد و آنرا تحت اصول معینه در آورد بعدها نظریه علمی او پیشرفت کرد و طرفداران زیادی در جهان پیدا نمود .

مدت زمانی عده زیادی از محققان بر این عقیده بودند که نوشتجات اشخاص معرف اخلاق و صفات آنان است .

سیوسوتون (Suétone) مورخ تراجم احوال دوازده قیصر روم این معانی را روی خط اگوست مطالعه نمود و مشاهده کرد که امپراطور کلمات زیاد آخر سطور را جدا نکرده و بسطر دیگر نمیبرد و آنها را در زیر خط قرار داده و اطراف آنرا خط میکشد و این مطالعه موجب اقتتاح باب خط شناسی گردید .

در عهد عتیق و قرون وسطی چیز نویسی معمول نبود و اغلب از سلاطین یسواد بوده و آشنا بنوشتن خط نبودند و مکاتبات آن ادوار بوسیله منشی های مخصوص و نویسندگان

طریقه کشف چهل در عصر حاضر

عمومی انجام میگرفت که افکار دیگران را روی کاغذ می آوردند در ۱۶۰۹ یکنفر موسوم به فرانسوادل (François Demelle) کتابی طبع و انتشار داد و راجع به خطوط معمول چنین اظهار نظر نمود که نوشتجات هر نویسنده‌ای مانند قیافه اش معرف صفات و روحیات و ساختمان بدنی و درجه سلامت او میباشد و در قسمت تطبیق خطوط و امضات معمول با اوراق مسلم‌الصدور جهت کشف تزویر و تقلب و مجموعیت برگهای مزبوره اوصاف روحی و جسمی افراد را با خطوطشان تطبیق و مقایسه مینمود تا حقایق مسلمی از آن بنست آورد. یکنفر ایتالیائی موسوم به کاسیلو بالدو د بولونی (Camillo Baldo de Bologne) ثابت نمود که علائق و بستگیهای زیادی بین طبیعت و ساختمان دماغی نویسنده با خطوط ترسیمیه او موجود میباشد و کتابی هم تحت عنوان طرق تشخیص و کشف طبایع و اوصاف نویسندگان از روی خطوط آنان

(Trattato come de una lettera missiva cognoscamo la natura e la qualita dello scrittore)

در سنه ۱۶۲۲ نوشته و در سنه ۱۶۶۲ آنرا بطبع رسانیده و مجدداً در ۱۹۰۰ بوسیله ژ. دیوان (J. Depoin) طبع گردید.

در آخر قرن ۱۸ لواتر (Lavater) بنا بتوصیه گوته (Goethe) شاعر آلمانی بکلیه این مطالعات مراجعه نموده و خطوط مختلفه را جمع آوری کرد و آنها را کاملاً مورد مطالعه قرار داد و خواست توجه عموم را در آن عصر باین نکته جلب نماید که تشابه زیادی در رفتار - حرکات - سکنتات بیان و گفتار و نوشتجات اشخاص موجود است و نتیجه تفحصات و کشفیات خود را در کتابی که موسوم بصنعت شناسائی مردم است (L'art de connaître des hommes) تدوین نمود و اولین طبع آن در آلمان در ۱۷۷۵ بعمل آمد.

در ابتدای قرن ۱۹ کتابی منتسب به هوکار (Hocquart) تحت عنوان صنعت قضاوت اوصاف مردم از روی نوشتجات نویسندگان

(L'art de juger la caractèrè des hommes sur leur écriture)

جمع آوری نموده که کتاب مزبور متضمن نکات بیشماری در این زمینه میباشد.

در ۱۸۲۳ یکنفر انگلیسی موسوم بایرلی (Byerly) در کتابی موسوم بشخصیص اوصاف از روی امضات (On characteristic signatures) طبع و منتشر نمود.

در ۱۸۶۳ یکنفر آلمانی موسوم به آدلف هنتز (Adolf Henze) در لیبزیک (Leipzig) کتابی تحت عنوان (Die Chirogrammatonnanze oder der Lehre der Handschriftandeutung) تشخیص خط و یا تعلیم علائم خطی که شامل هزار نسخه و حاوی قسمتی از نظریات میشون کشیش بود انتشار داد و مدعی بود که از روی نوشتجات هر کس میتواند تصویر نویسنده را ترسیم نماید.

در ۱۸۶۶ یکنفر نقاش موسوم به دلستر (Delestre) کتابی در علم قیافه نوشت و فصولی از آنرا بخط و شیوه‌های مختلفه آن اختصاص داد.

طریقه کشف جعل در عصر حاضر

کشیش میشوند سنوات متعددی نتیجه تجربیات خود را جمع آوری کرد و آنرا در کارتن‌های مختلفه گذاشت و طبقه بندی نمود و در قفسه‌ها که اختصاص به غرائز و استعداد و اوصاف خاصی بود قرار میداد و بدین طریق موفق بجمع آوری نوشتجات و خطوط اشخاص بزرگ از قبیل ناپلئون و نویسندگان و فلاسفه گردید و خطوط را بخطوط منتسبه بر است نویسان دکستروژن (Dextrogène) و خطوط منتسبه بچپ نویسان سینستروژن (Sinistrogène) تقسیم نمود و بعد مجموعه‌ای تشکیل داد که حکایت از تاریخ خط و روابط آن با تمدن اوصاف - خصال و اخلاق ملل و نحل مینمود .

روابط نوشتجات با هویت نویسندگان قطعی است و بهیچوجه قابل تردید نمیباشد و به تعداد اشخاص نوشتجات مختلفه وجود دارد و برای هر فردی میتوان یک شیوه و یک خط خاص قائل شد و آن خطوط بستگی با سلامتی - سن - موقعیت اجتماعی و وضعیت اشخاص خواهد داشت .

شناختن خطوط اشخاص ذوقی و فطری بوده و در نتیجه ممارست هم پیدا میشود و از نوشته میتوان بروحیه نویسنده آن پی برد .

یک خط خام و غیر ماهرانه کاشف از این است که نویسنده آن بجهه میباشد و یک خط متشنج و لرزان و مردد و مشکوک نشان میدهد که نویسنده آن مسن و پیر است . خطوطی که دارای پیرایه و تزیینات هستند حکایت از روح جاه طلبی نموده و نویسندگان آن از افرادی هستند که داعیه زیاد دارند .

نوشتجات را میتوان تا حدی تغییر داد ولی ماهیت آن تغییر نمیکند و باز آثاری از نویسنده آن ظاهر و هویدا است که ثابت و تغییر ناپذیر میباشد . و اراده و فکر بهیچوجه در آن دخالت ندارد .

هر نژادی دارای یکتوع خصوصیات خطی میباشد قسمت اعظم از ساکنین کره از چپ به راست مینویسند قسمت دیگر مخصوصاً ساکنین آسیا از راست بچپ مینویسند در زبان فارسی و عربی فقط حروف ج - چ - ح - خ - ع - غ - م از چپ بر راست نوشته میشود و مابقی حروف را از راست بچپ مینویسند .

بعضیها خطوط را افقی نوشته و بعضی دیگر عمودی مینویسند .

خط عمل و ظایف الاعضاء و روان‌شناسی است و از نمایشات و تجلیات غیر ارادی شخصیت میباشد .

حرکات و ژست تحت نفوذ و تأثیر کاردماغی معینی قرار گرفته و اعمال غیر ارادی عضلات چهره - خطوط سیما حکایت از اوصاف قطعی افراد مینماید .

وقتی مواجه با هر شخصی میشویم صفات مخصوصه او در حرکات - رفتار و سکنات او جلوه گر میشود .

از طرز صحبت کردن میتوان بخصوصیات روحی اشخاص مطلع شد .

تا سرمد سخن نگفته باشد عیب و هنرش نهفته باشد

طریقه کشف جبل در عصر حاضر

حرکات و اشارات صورت - عملیات دست - طرز گفتار عبارت از حرکات عضلات میباشد که یک قسمت آن ارادی و یک قسمت دیگر آن غیر ارادی میباشد .
 نوشته پکنوع ژست و اشاره ایست که از عده ژستهای کوچک ترکیب گردیده همانطور که عضلات و صدا و سیمای اشخاص تغییر میکند بهمان میزان هم حرکات دست نویسنده و عضلات او تحت تأثیر افکار و غرائز و نفسانیات او میباشد .
 طرز نشستن - راه رفتن - خواب - خنده - گریه - سرفه - عطسه - لباس پوشیدن - سیگار کشیدن - زینت آلات - آرایش - خوراک - تحریرات - تقریرات - مسکن - اسباب خانه - چیدن میل - رفاقت - معاشرت - معاملات - عادیات - تقریحات - پذیرائی - معتقدات - و بالاخره بنادر گفتار و کردار الفبای ناطقی هستند که معرف هویت و شخصیت افراد میباشد و از این عوامل میتوان بساختن دماغی و رشد فکری اشخاص پی برد .

انواع خط

- | | |
|----------------------|----------------------------|
| ۱ - خط درشت . | ۱۴ - خط مشقی . |
| ۲ - خط ریز . | ۱۵ - خط صعودی . |
| ۳ - خط مساوی . | ۱۶ - خط نزولی . |
| ۴ - خط نامساوی . | ۱۷ - خط منظم . |
| ۵ - خط ظریف و نازک . | ۱۸ - خط نامنظم . |
| ۶ - خط آرایش کرده . | ۱۹ - خط گشاد و فاصله دار . |
| ۷ - خط عمودی . | ۲۰ - خط متصل و مربوط . |
| ۸ - خط مایل . | ۲۱ - خط باز . |
| ۹ - خط گوشه دار . | ۲۲ - خط ضخیم و پررنگ . |
| ۱۰ - خط روشن . | ۲۳ - خط بلند . |
| ۱۱ - خط پیچیده . | ۲۴ - خط گرد . |
| ۱۲ - خط ساده . | ۲۵ - خط سبک . |
| ۱۳ - خط چابی . | ۲۶ - خط تند . |

از خطوط اشخاص میتوان بصفات آنان که ذیلاً شرح داده میشود معرفت پیدا نمود .
 پرهیزگاری - بی ارادگی - بی فکری - خودداری - صدق و صفا - بی وفائی - عدم خلوص - خودستائی - غرور - خودبینی - کبر - نخوت - حیا - عفت - شرم - هنر نمائی - تجاوزکاری - نرمی - ملایمت - سعی و کوشش - بخشنندگی - صرفه جوئی - عقل معاش - احتیاط - بی ملاحظه گی - ترس - کم روئی - دلیری - شجاعت - پافشاری - اصرار - دودلی - خودسری - سرسختی - کله شقی - کم حرفی - خاموشی - خوشحالی - احتیاط - درستی - صحت - دقت - اشتباه - وراجی - پرحرفی - شایعه افکنی - بهارت - سلیقه - حضور ذهن - کندگی - بی ملاحظه گی - خوش بینی - بدبینی - رفاقت - مساعدت - فعالیت - تبلی - بدکاری - سرعت - لیاقت - آتش مزاجی - مسامحه - غفلت و غیره .

طریقه کشف جبل در عصر حاضر

اینک به شرح صفات و خصالی که انواع خطوط مذکوره در فوق دربر دارد پرداخته میشود .

۱ - خط درشت

جاه طلبی - جود - نخوت - غضب - تخیل .

۲ - خط ریز

فکر محدود - بذله گو - باوه گو - ظرافت .

۳ - خط مساوی

نظم و ترتیب - ثبات قدم - راستی و درستی .

۴ - خط نامساوی

حساسیت - بی ارادگی - اضطراب - فعالیت - هوش .

۵ - خط ظریف و نازک

شایستگی - حيله - سالوسی - عجله - رخوت و سستی - تبلی .

۶ - خط آرایش کرده

خودنمایی - بی اهمیتی - طنازی و غمازی - حس زیبایی - جاه طلبی .

۷ - خط عمودی

احتیاط - نیرومندی - کمی حساسیت - خون سردی - خودستایی .

۸ - خط مایل

مهربانی - ضعف - میل بقبول امری - زود رنجی .

۹ - خط گوشه دار

نیرومندی - متانت - راسخ در عقیده - لجاجتی - قساوت قلب .

۱۰ - خط روشن

بصیرت - نظم و ترتیب - ادب .

۱۱ - خط پیچیده

عدم صراحت - سوء نیت - دیوانگی .

۱۲ - خط ساده

صداقت - سادگی - سلامت نفس - راستی - بشاشت - نزدیک بینی .

۱۳ - خط چاپی

ملاحت - لطف - رشد فکری - بلند پروازی - خلق و خوی عجیب - روح تقلید .

طریقه کشف جبل در عصر حاضر

۱۴ - خط مشقی

بی‌اهمیتی - علاقه - تناسب .

۱۵ - خط صعودی

سعی و عمل - فعالیت - خوش خلقی - جاه‌طلبی .

۱۶ - خط نزولی

ترس - مایخولیا - اضطراب و تشویش .

۱۷ - خط منظم

صراحت - امانت - نظم و ترتیب - ادب - مهربانی .

۱۸ - خط نامنظم

بی‌ترتیبی - نادرستی - غفلت - بی‌مبالائی - گجی .

۱۹ - خط شاد و فاصله‌دار

سخاوت - علاقه به راحتی و آسایش - صراحت .

۲۰ - خط متصل و مربوط

فعالیت طبیعی - پرورش و رشد فکری - تعقیب و پیروی افکار - شتاب .

۲۱ - خط باز

تنبلی - بی‌ترتیبی - یأس - خستگی - بی‌تصمیمی - بی‌ارادگی .

۲۲ - خط ضخیم و پر رنگ

ماده پرستی - شهوانی - پرمدها .

۲۳ - خط بلند

عجب - تفاخر - غرور - کبر - خودستائی - اتکاء بنفس .

۲۴ - خط گرد

بطالت - ملاطفت - مهربانی - توهم - بی‌ارادگی - بی‌کفایتی .

۲۵ - خط سبک

ظرافت - حساسیت - ضعف - رنجوری .

۲۶ - خط تند

فعالیت - رشد فکری - چالاکی - حرارت - غضب

تشخیص و آیین اخلاق

اشخاص از روی قیافه و تطبیق آن باقیافه حیوانات

ارسطو معتقد است که هر حیوانی غریزه و صفات خاصی دارد که حیوانات دیگر فاقد آن میباشند .

حیله وزیرکی به روباه - سعیت به گرگ - شجاعت به شیر - وفا به سگ و بی وفائی و ناسپاسی به گربه اختصاص دارد و افرادی که به این حیوانات شباهت دارند دارای همان اوصاف و خصال میباشند و تشخیص این امور مؤثر در تطبیق خط باقیافه اشخاص که معرف صفات آنان است نیز میباشد .

صفات اشخاص را میتوان از جسم آنان مشاهده نمود زیرا ما بین روح و جسم روابطی برقرار است و برای پی بردن باین معانی باید اشکال مختلفه و انواع اعضاء بدن را در نظر گرفت و هر نوعی حکایت از صفات و خصال مختلفه مینماید و برای آگاهی ووقوف کامل باید بشرح انواع این اعضاء پرداخت .

چهره - رنگ - چین ها - صدا - ژست - حرکات - سکنت - رفتار - تناسب - مو - کیس - ریش - سبیل - گردن - گوش - چانه - دندان - دهان - گونه - چشم - حرکات چشم - رنگ چشم - ابرو - رنگ پوست - زگیل - لکه های صورت و بدن - حجمه - پیشانی .
مهمتر از همه اینها قیافه میباشد که صفات اشخاص را میتوان کاملاً از قیافه آنان فهمید و برای حصول این مقصود باید بدو در نظر گرفت که هر شخصی از حیث قیافه به کدام حیوان شباهت دارد سپس همان صفاتی را که حیوانات دارند اغلب این صفات در انسان از نظر تشابه بقیافه وجود خواهد داشت .

اینکه بدکر صفات اشخاصی که به حیوانات از حیث قیافه شباهت دارند میپردازیم .

میمون

افرادی که قیافه آنان به بوزینه و میمون شباهت دارد اغلب قاجاق - کش روزن - دزد - شهوت پرست و محیل و متملق - مکار - بزدل - وضعیف النفس بوده و غالباً هم میل مفراطی به شرب نوشابه های الکلی دارند .

پلنگ

افرادی که از حیث قیافه شبیه به پلنگ هستند از مردمان خشمگین و درنده میباشند و احساسات آنان کم و دارای تساوت قلب و بی رحمی بوده و اغلب اوقات خود را برای آزار و اذیت دیگران مصرف مینمایند .

روباه

اشخاصی که شبیه به روباه هستند اغلب محیل و مکار و غدار و نکته سنج و پرحوصله بوده و نیز خود خواهی و احتیاط و تملق و مداهنه در آنان وجود دارد .

طوطی

شخاصی که بینی آنها شبیه به منقار طوطی است اغلب سطحی و زود رنج بوده

طریقه کشف جعل در عصر حاضر

و بهیچوجه میل به قبول کارهای فکری نداشته و غالباً دروغگو بوده ولی دروغ آنان متضمن سود و یا اضرار بدیگران نمیباشد .

خرس

کسانی که لب ولوچه آنان مانند خرس آویزان است از افراد بی ادب و بی نزاکت بوده و از مردم هم متفرند و با مردم حشر و آمیزش ندارند و کمتر خنده از آنان دیده میشود ولی پرخور بوده و دارای اطلاعات وسیعه میباشند .

مگرمی

افرادی که دهان آنان مانند گریه باز و شکافته است و چشمان کوچک و مستوری دارند و ابروهای آنان درهم کشیده شده است غالباً محیل بوده و میل به نزاع و جدال دارند و همیشه برای اعمال زشت خود دلایل و براهینی اقامه مینمایند و میخواهند از عملیات خود پرده پوشی نمایند ولی اغلب مبتلا به مالیخولیا بوده و میل به انزوا و عزلت داشته و هیچوقت در اجتماع نمایان و آفتابی نشده مگر اینکه ضرورت و احتیاج ایجاب نماید .

شیر

افرادی که قیافشان به شیر شباهت دارد و مانند شیر راه میروند دارای قوت جسم و عظمت روح بوده و اغلب دارای ابهت و کرامت نفس میباشند و اگر موی زیادی تا قفا داشته باشند علامت نجات و متانت بوده و ممکن است در نتیجه حوادث زمان این افراد بی رحم و شقی شوند و کسانی که دارای نیم رخ شیر هستند از مردمان احساساتی بوده و به اجرای عدالت پایبند میباشند .

خرگوش

این طبقه اغلب شهوت ران - شکم پرست - پرخور - کم جرئت - دلسوز - صرفه جو و مقصد بوده و افکار پست و گدامنشی در آنان مشاهده میشود .

سمور

افرادی که شبیه به سمور هستند دارای چشمان کوچک - نیم رخ کشیده و گوشهای بالا نهادهای میباشند اغلب محیل و کنجکاو بوده و در دوز و کلک و نقشه کشی و توطئه مهارت بسزائی دارند .

کلاغ

افرادی که قیافه آنان شبیه به کلاغ است اغلب از محترمین بوده و بی حیای و بی عفت میباشند ولی واجد صبر و شکیبائی هستند .

خوک

پیشانی افرادی که به خوک شباهت دارند کوتاه و چشمهای آنان کوچک است این طبقه

طریقه کشف جعل در عصر حاضر

غالباً پرخور - تنبل - کثیف - بی نظم - بی دقت و فاقد احساسات میباشند لباس آنان کثیف و بهیچوجه رعایت نظافت و بهداشت و حفظ ظاهر را نمیکند .

بز

افرادی که به بز شباهت دارند اغلب محتاط - ملایم - فاقد ابتکار - عاقل - و در انتخاب همسرکمال مراقبت و دقت را بکار میبرند و بمرتب کردن امور خانواده و داشتن لباس تمیز علاقمند هستند ولی شهوتران بوده و تمایلات سوئی نیز ندارند .

اسب

اشخاصی که شبیه به اسب هستند سوراخهای بینی آنان تکان میخورد و لبهای آنان همیشه تر میباشد و اغلب دارای طبیعت عالی بوده و موقر و سخی و بلند طبع هستند .

جغد

افرادی که بینی و چهره آنان شبیه به جغد است مردمانی کم جرئت و مطیع بوده و تخیلات آنان کم و روح نظم و اطاعت و بیانه روی و اعتدال در آنان حکومت میکند .

سگربه

اشخاصی که دارای سرگرد چانه کم و لبهای نازک هستند افراد خودپسند و محبت آنان مقرون به فداکاری نیست متعلق - چاپلوس - خوش تعارف - تودار هستند و همیشه در کمین میباشند که مخالفین و مدعیان آنان ضعیف شوند تا فرصتی برای آنان جهت انتقام و حمله بدست آید الفاظ شیرین آنان غالباً با زهر آمیخته بوده و رفتار خوش آنان برای جلب نفع بوده و سالوسی و ریا در کلیه اعمال آنها حکمفرما است .

شتر

این افراد دارای صورتهای استخوانی و بینی خمیده و لبهای نامساوی بوده سیرت خوب و صداقت و صفای باطن ندارند ولی دارای حدت ذهن و افکار مالیخولیائی بوده و روح قناعت و کار دارند و اغلب شوخیهای زننده میکنند که باعث اشمئزاز خاطر دیگران میشود .

گاو

کسانی که دارای صورتهای گوشتی و گونه های کشیده بوده و شباهت به گاو دارند از افراد مسامحه کار و فاقد حس ابتکار و احساسات هستند ولی کاری و فعال میباشند مشروط بر اینکه در حدود کارهای فکری نباشد و اغلب نیز پرگو و دروغگو میباشند .

گوسفند

قیافه گوسفندی در مردم زیاد است و دارای مردسک پهن و دهان گشاد هستند این طبقه افکار روشن ندارند اغلب خوب و ساده هستند ولی کله شق - لجوج - ملایم و خدمتگذار بوده و نیز مقلد و فاقد ابتکار شخصی میباشند .

الاغ

افرادی که دارای گوش دراز و نوک تیز و صورت کشیده از جهت اتقی میباشند اغلب پرگو- شهوت ران. معتقد به خود و علاقمند به لذایذ مادی بوده و کار آنانرا چموش میکند و آرامی از صفات ذاتی و اصلی آنان نیست .

عقاب

اشخاصی که دارای بینی خمیده مانند نوک عقاب میباشند و چشمهای درخشانی دارند واجد صفات عالیه و تبختر و روح بزرگی هستند و اغلب پر حرارت و سخاوتمند و باهوش بوده و قادر به اخذ تصمیمات سریع میباشند .
ایرانیهای قدیم همیشه افرادی را که دارای صورت و بینی عقابی بودند به کارهای بزرگ میگماردند .

سگ

افرادی که قیافه آنها شبیه به سگهای کوچک میباشند اغلب هار بوده و برای چیزهای جزئی تندخو میشوند و به هر کس آزار و اذیت میرسانند ولی به محض اینکه به متانت برخورد میکنند ساکت میشوند .

ولی اشخاصی که شباهت به سگهای بزرگ دارند با وفا و فداکار بوده و برای خود کمتر وقت صرف میکنند و اغلب اوقات آنان صرف دوستانشان شده و خوش خدمت و با جرئت و شجاع هستند و خود را در نتیجه عواطف و فداکاری به مخاطره میاندازند .

خزندستان

از افرادی که صورت و قیافه آنان شبیه به خزندگان است باید پرهیز نمود زیرا این اشخاص دارای چشمهای زل و درخشان بوده و اغلب کاری و خدمتگزار هستند ولی کم کم اگر موقعی بدست آوردند زهر خود را تزریق کرده و میگزند و مردم را مانند مار واقعی مسحور کرده و برای قربانی خود مهیا میسازند .

برای پی بردن به وجود هر صفتی باید یک سلسله علائم و آثار را در بدن و صورت و اعضاء هر کس در نظر گرفت تا بتوان به ضرس قاطع قضاوت نمود که دارنده این علائم دارای چه صفت و خصلت شخصی میباشد و آنها را تا حدی ملاک عمل در مورد رسیدگی بصحت و اصالت خطوط و امضات قرارداد .

حسود

تسمت چپ بدن این افراد بزرگتر از قسمت راست میباشد ، و ابروها بطرف شقیقه افتاده و گوشهایشان نازک و کشیده است گونه ها دور از چشمان بوده ، غالباً پلکهای تحتانی را میپوشاند . دندانها از یکدیگر جدا ولی سفت و محکم میباشد و دهان بطور مایل باز بوده و شانهایشان نسبت بسینه باریک و بازوها کوتاه میباشد .

طریقه کشف جعل در عصر حاضر

دروغگو

تعداد دروغگویان در کشور ما بعدی زیاد است که از حد و حصر خارج میباشند و زمینه مطالعات بیشتری برای هر مطالعه کننده ای دست میدهد . صورت پرو گوشت آلود ، بینی پهن در وسط و بطرف ریشه باریک میشود . چشمها خندان و قرنیه چشم کمی زرد و ابروها شبیه برقم هشت میباشد .

کله شق

اغلب مردمان کله شق دارای سرکشیده و پیشانی بلند و بینی گشاد میباشند . گردن آنان کلفت و طویل بوده و در موقع راه رفتن به پاشنه و نوک پا تکیه نکرده و تمام قسمت پازرا روی زمین میگذارند . خم نمودن بدن برای این افراد مشکل بوده و همیشه راست راه رفته بدون اینکه سر خود را حرکت دهند و کلیه حرکات بدنی آنان فاقد نرمی میباشند .

شورور

افراد شورور کسانی هستند که سیئات اعمال آنان باعث خرابی سعادت دیگران میباشند . این دسته از درستی و صحت عمل ستفر بوده و میخواهند در بدی کردن بد دیگران مظفر و پیروز گردند .

سر آنان همیشه پائین بوده و از زیر چشم ب مردم نگاه میکنند . گوشها باریک و دهان نازک و گشاد و پاهایشان کج میباشد رگهای بدنشان نمایان و رنگ آن قرمز بنفش است . ابروها در وسط پیشانی ملحق شده و تخم چشم آنان نامساوی میباشند . لبهای پائین کمی متورم و شانها بلند و پشت مسطح است . سخنان آنان کوتاه و متعاقب با گرفتگی صدا میباشد . پیشانی سخت و بایک چین قطع گردیده و دسته های چینهای کوچک در اطراف آن نمایان است .

خیر خواه

مردمان نیکوکار و خیر خواه دارای صورت پهن و چشمهای بازند رفتار آنان آرام و صدایشان صحیح و حرکات و رفتارشان منظم میباشد .

مودی

گونه های این افراد چاق و نرم بوده و دور چشمهای آنان دارای چین های زیادی است و آهسته صحبت کرده و چشم هارا پائین میاندازند و ابروها بطرف شقیقه افتاده و حرکتشان کند و ژستشان گیرا بوده ولی چشمهایشان گود و کوچک میباشد .

تودار

افراد تودار کسانی هستند که صفات خود را مکتوم نموده صورت آنان غیر منظم و دهانشان در موقع استراحت و فکر کردن بسته صدایشان کمی خشک و غالباً کم حرف بوده و فقط برای بیان کلیات بسخن می پردازند .

متملق

افراد متملق دارای صورت باریک و چشمهای کوچک و کمی پوشیده و مستور بوده در پیشانی آنها بهیچوجه چین مشاهده نگردیده و تبسم آنان سرد و تصنعی میباشد و حرکاتشان راست نبوده و بدن خود را درحال راه رفتن بهر طرف گردانیده و در مواقع معین خم مینمایند. صدایشان شیرین و کلمات و سخنان آنها متضمن قیودات تحسین است که از مفهوم حقیقی خارج میگردد.

درست و صحیح

منظور از مردمان درست افرادی هستند که غیر از خوبی و نیکی کار دیگری نداشته و از اعمال بد و نکوهیده پرهیز مینمایند بینی این افراد بزرگ و ولی متناسب بوده و صورت آنان بدو قسمت متساوی تقسیم گردیده. بعضی اوقات بینی آنها پهن و باز است و چشمهایشان تو و ملایم و فرو رفتگی نداشته و مردمک چشمشان مساوی است و دارای پیشانی پهن و ابروی کمائی و پرمو و گوش متوسط و کشیده بوده و جمجمه آنان پهن و لبها قیطنی و دست و انگشتها طویل و تنفس آرام بوده و حرف براحتی زده و سخنانشان متضمن بردباری و عقل و اندیشه میباشد.

علو طبع و بلند همتی

این دسته از مردم زیاد پایند ثروت و مقام نبوده و احراز و نیل به مقام را فقط برای دستگیری مستمندان و کمک و مساعدت اشخاص و خدمت به اجتماع میخواهند. در پیرامون استفاده نبوده و خوبی را فقط برای خوبی خواسته بدون اینکه افکاری که متضمن سود شخصی باشد متعاقب آن باشد.

این افراد دارای سرم متوسط و پیشانی مربع و پشت گردن مودار و دهان بزرگ و گردن متوسط و کمر پهن و شانه کمی خمیده و بازوهای طویل میباشد و اگر زشت باشند قیافه و حرکات آنان گیرا بوده و هم آهنگی روح و جسم در آنها ظاهر و هویدا میباشد.

نیرومند

اشخاص نیرومند دارای سرم متوسط و پیشانی خوب و گوشهای کمی مربع و لبها و بینی متناسب و گردن کلفت و کوتاه و شانه کمی پهن میباشد ابروهایشان کمائی چشمهای درخشان و صدای واضح و سخنان سوجز و کوتاه دارند و از چیزهای غلط و سخنان بیهوده متنفرند.

کم جرئت و جبون

اشخاص کم جرئت و جبون دارای صورت کوچک و پیشانی پهن گونهها پر و نرم و چشمها بزرگ و سینه باریک و پلکها متحرک و سخنان صدادار میباشد ولی رگهای بدنشان غیر نمایان و جسم آنان پرمو و بسمت چپ حرکت میکنند.

فاسد الاخلاق

اشخاص فاسد الاخلاق دارای قیافه زنده چشمان گریان، نگاه گستاخ آمیز، حرکات غیر منظم، لبهای متحرك و متشنج، پیشانی تنگ، گونه های پر، نفس صدادار، بینی کج، چانه کم و گرد بوده و در موقع راه رفتن زانوی آنان ناشده و رانهایشان کمی دور افتاده و متمایل بداخل بدن است و کلمات و گفتارشان شبیه به نجوی میباشد.

خسیس

از افراد خسیس ولئیم باید احتراز نمود زیرا این اشخاص برای تسکین مشتهیات نفسانی خود بهر نوع عمل زشتی تن در داده و مرتکب هر نوع بزه می شوند ولی نباید افراد مقتصد را با خسیس اشتباه نمود و آنها را در یک ردیف قرارداد زیرا صرفه جوئی و اقتصاد از محاسن بوده و ثبات و خست از معایب انسانی میباشد.

اشخاص خسیس دارای چشمان ریز و اعضای لاغر و بعضی از اوقات فرجه و چاق بوده و تناسی بین اعضاء و جسد آنان نمیباشد افراد لئیم و خسیس پشتشان خمیده و گوش پشت میباشند شانهایشان کم و ژستشان غیر متناسب صدایشان تیز و کمی گیرنده و بینی باریک و صورتشان کشیده و انگشتانشان در داخل خمیده میباشد.

بد خلق و تندخو

اشخاص بد خلق و تندخو دارای بدن راست و پهلوهای پهن و صورت گرد و رگهای پیشانی و شقیقه آنان نمایان و رنگشان کمی زرد و صدایشان تیز و گرفته و گردنشان پر و راست میباشد.

حرکات دستشان زیاد و حرکات انگشتانشان محسوس است سر کوچک چهره غیر منظم، سوراخ بینی گشاد و ابروهایشان شبیه به هشت و کلماتشان کوتاه و کشیده میباشد.

خود پسند

افراد خود پسند دارای چشمان باز و درخشان و پلکهای چین دار و قرمز بوده و صورتشان متمایل بچپ میباشد این اشخاص دارای ابروهای بزرگ و انگشتان پاودستان قلابی و پیشانی آنها محدب و بینی بزرگ و سر تیز و صورت و ابروها کشیده است.

پرخور

افراد پرخور بزرگ و بچه خوک شباهت دارند.

گردنشان فرجه و کوتاه، سینه پهن، شکم بالا آمده، تنفس شدید و تند، صدا خشن، چهره زرد، دهان باز، دندانها تیز، چشمها قرمز و گریان، پلکهای تحتانی متورم و برآمده، صدایشان آهسته، دستشان کوتاه، خشک میباشد و این صفات در اشخاص لاغر نیز وجود دارد.

در هر حال با در نظر گرفتن نکاتی که در نتیجه تحقیقات علمی بدست آمده است بخوبی میسرساند که بشر تا چه اندازه در تلاش برای کشف حقیقت و اجرای عدالت بوده

طریقه کشف جهل در عصر حاضر

و چه زحماتیرا در طریق تقویت بصیرت و توسعه فکر خود متحمل میشود تا پرده جهل را از مقابل خود برداشته و به ریزه کاریها و اعماق اشیاء وقوف حاصل نماید .

تا آیه شریفه **فَكشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ** در ما مصداق پیدا نکند قادر و قابل برای دادرسی و دفاع از حق نبوده بلکه حالت و وضعیت کنونی برده بختی و اضمحلال ما افزوده و جز اتلاف وقت و صرف هزینه های هنگفتی چیز دیگر عاید اجتماع مانخواهد شد .

علت عقب ماندگی قسمتی از کشورهای عالم از کاروان تمدن اینست که مقام و مشاغل با دانش و تقوی و سایر صفات عالیة انسانی نسبت معکوس داشته و روی محور خصوصیات و ملاحظات شخصی می باشد و بازار فضایل از هر حیث و هر جهت گامد و را کد است و عدالت اجتماعی بمفهوم حقیقی خود عملی نمی گردد .

در این ایام که روز تبلی السرائر در تاریخ تمدن بشری محسوب میشود روزی است که امور نهانی آشکار گشته و از پرده استار بیرون آمده و کشف ستر که ظهور آثار است بحدی رسیده که هر چیزی به نطق و بیان در آمده و به هر شیئی که نظر می افکنیم گزارش درون ذاتی خود را بما میدهد دور از انصاف و سروت است که از آنها اعراض کرده و افکار و اندیشه خود را در راه اباطیل و ترهات مصرف نمایم .

این مجد و عظمتی که جوامع بشری در دنیای کنونی احراز کرده اند نتیجه و ثمره همین امر است و بس چنانچه خداوند در سوره زخرف آیه ۲۲ میفرماید .

و لكل درجات ماعملوا

یعنی برای هر کس درجات بمیزان عملی است که نموده است .

باید اهل دل شد تا به بیان اشیاء و موجودات و وقوف حاصل نمود چنانچه مولوی در این زمینه میفرماید .

جمله ذرات عالم در نهان
ما سمیعیم و بصیریم و خوشیم
نطق آب و نطق خاک و نطق گل

با تو میگویند روزان و شبان
با شما نامحرمان ما خاموشیم
هست محسوس حواس اهل دل

در خاتمه از بسط مقال پژوهش طلبیده و در شماره های بعد راجع به قسمتهای دیگر جعل بحث خواهم نمود و توفیق خوانندگان گرامی را از خداوند مسئلت مینمایم .
بقیه دارد